



## استقلال را نباید مسخره کرد!



ما همه میدانیم که ۲۸ اسد روز اعلام استرداد استقلال افغانستان است. استقلالی که تحت زعامت شاه امان الله غاری و جانبازیهای مردم دلیر افغانستان در سال ۱۹۱۹ / ۱۲۹۸ ش یعنی ۱۰۱ سال قبل از امروز از دست استعمار بریتانیا حاصل گردیده است.

به این مناسبت دولت و نهادهای دولتی و تمام مردم افغانستان فرارسیدن این روز را گرمی میدارند و آنرا با تدویر محافل و کنفرانس ها و نواختن دهل و ساز و راه انداختن اتن های ملی و جراغانی کردن شهر و کوچه ها تجلیل میکنند. این تجلیل پاس داری از خونهای پاک پدرانی است که در راه

کسب استقلال کشور ریخته اند تا فرزندان شان در میان سایر ملل آزاد جهان احساس سرفرازی و خوشبختی نمایند. بنابراین چنین روز مقدس ملی را نباید تمسخر کرد و یا زیر سوال برد!

هموطنی تحصیل دیده در فیسبوکش پستی گذاشته بود بنام " **کدام استقلال؟** "

پیامش این بود که کشور ما توسط امریکا اشغال شده و ما استقلالی نداریم پس استقلال چی و یادش چی ؟

سپس از سالهای حادثه زای چون ۱۷۰۹ میلادی ، ۱۷۴۷ میلادی ، ۱۸۴۲ میلادی ، ۱۸۷۹ میلادی ، ۱۹۱۹ میلادی ، ۲۶ دلو ۱۳۶۷ یاد کرده است که هریک اهمیتی کمتر از روز استقلال نداشته اند.

من کامنتی به این مضمون برایش نوشتم:

این گونه سوالها معمولاً از سوی کسانی مطرح میشود که تحمل دیدن تجلیل از استقلال افغانستان را ندارند و با سوالات این چنینی کمی خود را تسلی میدهند. من از شما توقع چنین سوالی را نداشتم.

شما خود گفته اید که بعد از فروپاشی دولت تیموری هرات سرزمین افغانستان میان سه دولت نوظهور صفوی و شیبانی و بابریان هند تقسیم شد. این تجزیه مدت دو نیم قرن بدرازا کشید. تا اینکه مردی چون میرویس خان هوتکی در قندهار پیدا شد و مردم را به اتحاد و قیام برضد ظلم و استبداد حاکمیت صفوی فرا خواند و با از جان گذشتگی توانست یوغ استبداد صفوی را از دوش مردم قندهار در ۱۷۰۹ بدور افکند و استقلال قندهار و لواحق آنرا اعلان نماید. این اقدام شجاعانه میرویس خان الگویی برای مردم هرات و سیستان نیز گردید و این دو ایالت نیز با اقدامات جسورانه خود توانستند استقلال خود را از تسلط صفویان در سالهای ۱۷۱۶ و ۱۷۲۲ حاصل کنند.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

قندهار و هرات و سیستان تا ظهور نادر افشار هریک جدا از هم بحیات خود ادامه دادند و هرگز با هم متحد نشدند و قلمرو واحدی تشکیل ندادند. میرویس خان هم قادر نگردید قلمرو خود را بیشتر از زابل و ارزگان و کاکرستان و سیبی و در شمال فراترازی هیلند و خاشرود توسعه دهد.

گذشته از این بخش شمال کشور چون بلخ و میمنه در زیر سلطه ازبکان شیبانی ماوراءالنهر بود و بدخشان و کابل در دست بابر بان هند بود و از استقلال قندهار و هرات بهره مند نشده بودند.

نادر شاه افشار در ۱۷۳۸ به استقلال محلی قندهار خاتمه داد و تمام افغانستان موجوده را به قلمرو ( فارس) افزود و مدت ده سال بر آن حکم راند و گپی از آزادی و خود مختاری قندهار و هرات و دیگر بخشهای کشور در میان نبود. تا آنکه در سال ۱۷۴۷ نادر افشار بدست سران نظامی خود در خبوشان خراسان بقتل رسید و سران نظامی اش هریک بر گوشه ای از امپراتوری او دست یافتند.

احمد خان ابدالی که یکی از افسران نظامی نادر بود با گروه تحت فرمان خویش حرم نادر را از تطاول شورشیان نجات داده به کلات رسانید و از آنجا با نیروهای افغانی بعزم قندهار حرکت نمود و در قندهار با تشکیل یک لویه جرگه متشکل از بزرگان قومی سعی نمود تا افغانها از میان خود کسی را به پادشاهی برگزینند که منبهد از خود دولتی داشته باشند و جز از پادشاه خود از کسی دیگری اطاعت نکنند. بالاخره افغانها بعد از ۸ روز جر و بحث احمد خان ابدالی را به پادشاهی خود برگزیدند (اکتوبر ۱۷۴۷). به این ترتیب تهداب دولت معاصر افغانستان در قندهار گذاشته شد به همین خاطر احمدساده درانی بحیث موسس دولت معاصر افغانستان شناخته میشود نه محصل استقلال کشور.

استقلال بعد از آنکه کشوری ایجاد شده باشد و آزادی آن کشور از سوی نیروهای خارجی سلب شده باشد و در اثراقیام مردم آن آزادی دوباره بدست آمده باشد گفته میشود. جایگاه موسس و بنیان گذار یک کشور بالاتر و عظیم تر از محصل استقلال کشور پنداشته میشود.

احمدشاه درانی را به این خاطر موسس دولت افغانستان معاصر میگویم که کشوری را که او بنیان گذاشت و قلمروی را که او از خود بمیراث گذاشت خیلی بزرگتر از قلمروییست که امروز بنام افغانستان یاد میگردد. فراز و فرودهای سیاسی و تجاوزات دول استعماری در قرن ۱۹ نه تنها افغانستان را محدود به جغرافیای امروزی کرد بلکه بریتانیا بر سیاست خارجی آن کنترول داشت و امرای افغانستان چون شاه شجاع و امیر دوست محمدخان و امیر محمد یعقوب خان و امیر عبدالرحمن خان بشمول امیر حبیب الله خان اجازه نداشتند بدون اجازه بریتانیا با کشورهای همسایه داخل رابطه سیاسی و تجارتي و فرهنگی گردد.

محمود طرزی مدیر سراج الاخبار افغانی پیوسته این وضعیت را نکوهش میکرد و منورین و جوانان کشور را برای کسب استقلال تشویق و ترغیب مینمود. شهزاده امان الله و دیگر عناصر آزادی طلب از این وضعیت رنج می بردند و جداً آرزومند حصول استقلال افغانستان بودند. تا اینکه در سال ۱۹۱۹ امیر حبیب الله خان در کله گوش لغمان به قتل رسید و سردار نصرالله خان در جلال آباد اعلان امارت نمود و از امان الله خواست بیعت نامه خود و اهالی کابل را به کابل بفرستد، اما امان الله خان خود مدعی جانشینی پدرگشت و با اقدامات جسورانه توانست عم خود امیر نصرالله خان را وادار به استعفی نماید. با استعفای امیر نصرالله خان شهزاده امان الله در تاریخ ۲۸ فبروی ۱۹۱۹ در کابل تاج پوشی

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

نمود و در همان روز تاج پوشی اعلام نمود که این تاج را بشرط حصول استقلال کشور قبول خواهد کرد و سپس با ارسال مکتوبی به ویسرای هند برتانوی خواهان برسمیت شناختن استقلال افغانستان گردید و چون جوابی نگرفت جهاد برای کسب استقلال را اعلام کرد و مردم آزادیخواه افغانستان به این خواست برحق شاه جوان خود لبیک گفتند و در چهارم جون ۱۹۱۹ جنگ سوم افغان و انگلیس آغاز گردید و یک ماه بعد دولت انگلیس حاضر به مذاکره صلح در راولپندی شد و سرانجام در ۸ اگست معاهده صلح به امضا رسید و در تاریخ ۱۸ اگست ۱۲۹۸ شاه امان الله آنرا توشیح نمود و همان روز را بحیث روز استقلال افغانستان اعلان نمود.

از همان روز افغانستان در قطار دول آزادجهان قرار گرفت و روابط سیاسی و اقتصادی خود را با سایر کشورهای جهان تحکیم بخشید و در راه ترفی جامعه گام برداشت . از آن زمان تا هنوز پرچم استقلال افغانستان برفراز ارگ شاهی کشور و در سازمان ملل متحد در اهتزاز است. تا هنوز سفرا و نمایندگان های سیاسی افغانستان در بیش از یکصد کشور جهان حضور دارند و برسمیت شناخته میشوند.

تا هنوز مردم افغانستان با پاسپورت افغانی خود بخارج سفر میکنند و تا هنوز اتباع کشورهای خارجی با اجازه و گرفتن ویزای افغانی وارد افغانستان میشوند. هنوز هم پول افغانی در معاملات تجاری درچلش است. بنابراین ما هنوز هم یک کشور مستقل هستیم ولو که عساکر امریکا و ناتو در کشور ما حضور دارند و به بهانه مبارزه با تروریسم بر هر جای که خواسته باشند بمب پرتاب میکنند. چون آنها به اجاره شورای امنیت سازمان ملل متحد به افغانستان آمده اند ولی در تجلیل و گرامیداشت از استقلال ما ممانعتی ایجاد نمی کنند. نا امنیهای که مانع تجلیل درست و پرشکوه مراسم جشن استقلال در ۴۰ سال اخیر شده و هنوز هم میشود از دست کشورهای همسایه ما است. اگر همسایه های خوب میداشتیم شاید وضعیت سیاسی و نظامی و امنیتی ما بهتر می بود.

زیر سوال بردن استقلال افغانستان جوانان و سربازان دلیر وطن را که هر روز بخاطر صیانت از استقلال و دفاع از تمامیت ارضی جانهای شیرین خود را قربانی میکنند دلسرد میسازد و روحیه وطن دوستی را در جوانان صدمه میزند. باید روحیه آزادمندی و استقلال طلبی را در فرزندان خود زنده نگهداریم. هیچکس باور نمیکرد که یک گروه پابرنه و فقیر بنام طالبان بتواند ابرقدرتی چون امریکا را بزانو در آورد و مجبور به مذاکره و خروج از افغانستان نماید پس باید گفت:

زنده باد، مردم دلیر وطن ما

پاینده باد استقلال کشور!

پایان